

### قلمرو زبانی

واژگان

واژه های مشخص شده را معنی کنید.

۱- آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد

۲- بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم.

۳- گشاده دستی را از بوستان و پالیز بیاموز.

املا

۴- در میان گروه های زیر چه تعداد نادرستی املائی دیده می شود؟ تصحیح کنید.

« غم غربت - غرق غبار - بی تاب و بیقرار - داعیه و خواسته - سپاسگذاری و آفرین - زخمه سنگ - ایثار و بخشش - میراث

گذشتگان »

دانش های زبانی و دستوری

۵- در بیت زیر واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آئینه دار من و تو

۶- با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) انواع «و» (ربط، عطف) را مشخص کنید.

ب) مفعول فعل «سوخت» را نشان دهید.

### قلمرو ادبی

۷- در بیت زیر کدام کلمات «نماد» هستند؟ مفهوم آنها را بنویسید.

آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد غیر از شب آیا چه میدید چشمان تار من و تو؟

۸- در بیت زیر جناس ناهمسان (ناقص) را نشان دهید.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آئینه دار من و تو

۹- بند زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

تو اگر آن مایه کرامت را از مادر به میراث می داشتی، می بایست همانند با درختان بارور، بخشنده گی و ایثار را سراپا دست

باشی؛ سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می کند.»

الف) «وجه شبه» را نشان دهید.

ب) منظور از «زر» چیست و چه آرایه ای پدید آورده است؟

اشعار و عبارت های زیر را به نثر روان معنی کنید.

- ۱۰- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو.  
۱۱- دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو  
۱۲- چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو  
۱۳- من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور-بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم- سراسر ، کرامت باشم و سراپا گشاده دستی

۱۴- با هر تابستان با میوه های شیرین و سایه دل پذیر خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری ، درمان بخش دردها .

۱۵- با توجه به ابیات زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو  
غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران / صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

الف) منظور شاعر از «دیروز» و «امروز» چیست؟

ب) «غرق غباریم» چه مفهومی را می رساند؟

پ) «باران» اشاره به چه چیزی دارد؟

۱۶- مفهوم مشترک سروده های زیر چیست؟

- ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک

- با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

۱۷- چه مضمون مشترکی در موارد زیر دیده می شود؟

- ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دست میدهم، من آب و دانه / می کارمت در چشمها گل نقش امید/ می بارمت بر دیده ها باران خورشید

- دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو

۱۸- در بیت زیر:

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) «دریا» چه مفهومی را می رساند؟ / ب) مقصود نهایی مصراع دوم چیست؟

۱۹- هر یک از عبارت های زیر به چه چیزی توصیه می کند؟

الف) تیرانا! من از طبیعت آموختم که سراسر، کرامت باشم، بی هیچ گونه چشمداشتی به سپاسگزاری یا آفرین .

ب) نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دستهای کریم تو، میوه ای چند شیرین ایثار کند.

پ) همینم از آفریدگار سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم.

### پاسخ سوالات سوالات تشریحی درس دهم

۱- برزخ: حد فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت تولید یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت

۲- داعیه: ادعا

۳- پالیز: باغ، بوستان

۴- یک نادرستی املائی وجود دارد. «سپاسگزاری» نادرست و شکل صحیح آن «سپاسگزاری» است.

۵- واژه غربت دارای هم اوای «قربت» است که معنای «نزدیکی» می دهد.

۶- الف) «برگ و بار»، «من و تو»: «و» عطف؛ «بی تابم و بی قرارم»: د بای در کشند «و» ربط

ب) «برگ و بار من و تو»: مفعول فعل «سوخت» روایت می کنم

۷- «برزخ سرد»: نماد محیط پر از ظلم پیش از انقلاب؛ «شب»: نماد ظلم و ستم

۸- «باغ» و «داغ»: جناس ناهمسان (ناقص)

۹- الف) سراپا بخشندگی و ایثار بودن

ب) منظور از «زر»، نور خورشید است و آرایه «استعاره» را پدید آورده است.

۱۰- ای دوست، اگر دیروز (قبل از انقلاب) غم حاصل زندگی ما را نابود کرده بود؛ اما امروز (زمان انقلاب)، امید رشد و

شکوفایی در کشور دیده میشود.

۱۱- دیروز (قبل از انقلاب) با حس غربتی که در کشور بود، من اندوهی بزرگ در دل داشتم؛ اما امروز روشنی و امید در برابر

ماست.

۱۲- مانند رودخانه ای که برای رسیدن به دریا امیدوار و بی قرار است، من نیز به دریای انقلاب که محل دیدارمان است، می

پیوندم.

۱۳- من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه دار بدون اینکه کمترین خواسته ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود،

سخت و بخشندگی داشته باشم.

۱۴- در هر تابستان با میوه های شیرین و سایه آرام بخش برای خستگان، میزبانی بخشنده باشی و بتوانی برای مسافران

آفتاب خورده، نوازشگری باشی که درد آن ها را تسکین می دهد.

۱۵- الف) «دیروز»: دوران پیش از انقلاب؛ «امروز»: دوران پس از انقلاب

ب) پر از اندوه هستیم. پ) فضای پاکی بخش انقلاب

۱۶- جاودانگی نیکی، پاکی و زیبایی

۱۷- ترک اندوه و امیدبخشی

۱۸- الف) انقلاب ب) پیوستن به جریان انقلاب

۱۹- الف) بخشندگی بدون انتظار قدردانی است

ب) نیکی کردن در برابر بدی دیگران صحیح آن «سپاسگزاری» است.

پ) سپاسگزاری از خداوند و آزادمرد بودن و فریب ندادن دیگران.